www.aminnews.ir amine.mardom@yahoo.com @aminnewspaper
مرامنامه اخلاقی روزنامه نگاران روزنامه امین در سایت روزنامه

# امین

روزنامه سراسری سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: میرایوب پیرایش قهوه چی
نشانی دفتر تبریز: خیابان امام خمینی(ره) - کلانتر کوچه - کوچه ششم پلاک ٦١ - طبقه اول
تلفن: ٣٣٣٥٢٧٧٤ (٠٤١) و ٣٣٣٥٢٧٧٩ (٠٤١)

تلفکس: ٣٣٣٥٢٧٥١ (٠٤١)
آدرس پست الکترونیکی: amine.mardom@yahoo.com
نشانی دفتر تهران: خیابان کارگر - نرسیده به چهارراه لشکر روبروی ساختمان پست - پلاک ٨٥١ طبقه سوم - واحد ٦
تلفن: ٦٦٤٩٤٣١٨ (٠٢١) و ٦٦٤٩٤٣٩١ (٠٢١)
چاپ: چاپ سبز

شنبه ٢١ شهریور ١٤٠٥ / ٣٠ ربیع الاول ١٤٤٨ هـ. ق / 12 September ٢٠٢٦ / شماره ٧٣٠٦ / سال بیست و نهم

PDF Compressor Free Version

### امیدهای تنها با یک چمدان نگرانی در ناگویا؛

# چه کسانی باید عرق شرم بریزند؟

*شبنم روحی:
تیم فوتبال امید ایران سرانجام راهی بازی‌های آسیایی ٢٠٢٦ آیچی–ناگویا شد؛ اعزامی که هیچ چیز آن شبیه به سفر تیم یک کشور به یک تورنمنت مهم نبود! تیمی که باید ویترین استعدادهای جوان و تصویر آینده فوتبال ایران باشد، در شرایطی عازم یکی از مهم‌ترین رویدادهای قاره شده که سرمربی آن صریح و بی‌پرده از وضعیت آماده‌سازی انتقاد کرده است. حسین عبدی پیش از اعزام، جمله‌ای بر زبان آورد که بیش از هر تحلیلی شرایط تیم را توصیف می‌کند:کار عاقلانه این است که در بازی‌های آسیایی ناگویا شرکت نکنیم!
او همچنین خطاب به افرادی که در مسیر آماده‌سازی به تیم امید کمک نکردند، گفت: «روزی که از بازی‌های آسیایی بازگشتیم، شمایی که به تیم ملی کمک نکردید، باید عرق شرم داشته باشید که به این تیم کمک نکردید.»
این سخنان شاید به ظاهر یک اعتراض باشد اما وقتی بدانیم درباره تیمی که نماینده یک کشور است گفته شده باید تامل بیشتری کرد و افسوس خورد. این صحبت ها هشداری جدی درباره وضع تیمی است که قرار است آینده فوتبال ایران را بسازد، اما حتی برای تشکیل و برگزاری اردوی آن ها نیز یک کار سخت و نشدنی بود. کادر فنی برای حضور در بازی ها به دلیل همکاری نکردن تعدادی از باشگاه‌ها، حتی نتوانست یک تیم کامل را تشکیل دهد.
حتی حسین عبدی در مصاحبه ای که ٨ شهریور داشت گفت: ما امروز می‌خواهیم تمرین کنیم، با ٥ نفر چطور می‌توانیم تمرین کنیم؟ نهایت ٤ به ٢ بازی کنیم، یعنی مربیان هم اضافه شوند. این اسمش فان است، اما نمی‌توانیم فوتبال بازی کنیم. اگر از من سوال بپرسید که توپ و زمین نداشته باشید، آخر هفته مسابقه‌ای می‌دهید، من می‌گویم نمی‌توانیم اصلاً فوتبالی بازی کنیم، می‌توانیم کارهای دیگری بکنیم، مثلاً بازی گرگم به هوا بازی کنیم! اگر تعداد بازیکنان به ١٠ نفر نرسد یا گلری نیاید، در واقع تیمی تشکیل نشده که بخواهیم به قهرمانی فکر کنیم. هیچ تضمینی برای قهرمانی در تورنمنتی وجود ندارد و فقط درصدهای موفقیت با برگزاری تمرینات، بازی‌های تدارکاتی و ... بیشتر می‌شود. در حال حاضر درصدها کاهش یافته، یعنی بازیکن نداریم، بازی‌های تدارکاتی کم بود و با ترکیب کامل نمی‌رویم.
یعنی سرمربی تیم به جای فکر کردن به قهرمانی درگیر شمارش بازیکنانش بود تا بفهمد باید فوتبال بازی کند یا گرگم به هوا!
در نهایت فهرست تیم اعلام و اعزام انجام شد، اما پرسش مهم همچنان باقی است: آیا صرفاً حضور در بازی‌های آسیایی کافی است یا تیم امید باید با برنامه‌ای متناسب با اهمیت مسابقات راهی ناگویا می‌شد؟

### جدال قدیمی باشگاه و امیدها

مشکل اصلی تیم های امید ایران، همکاری نکردن بعضی باشگاه‌ها برای تحویل بازیکنان بود. باشگاه‌ها نیز استدلال‌های خود را دارند؛ آن‌ها درگیر مسابقات لیگ هستند، برای بازیکنانشان هزینه کرده‌اند و نمی‌خواهند در هفته‌های حساس، مهره‌های اصلی خود را از دست بدهند. وقتی می بینیم سال های سال است که این مشکل برای امیدها وجود دارد، مشخص می‌شود فوتبال ایران فاقد سازوکاری روشن و الزام‌آور برای حل تعارض میان منافع باشگاه‌ها و تیم‌های ملی پایه است. این اتفاق تازه‌ای نیست. تیم‌های پایه ایران بارها قربانی تداخل برنامه‌های لیگ، بی‌نظمی تقویم و اختلاف میان باشگاه‌ها و فدراسیون شده‌اند. تفاوت این بار در آن است که اعتراض سرمربی به تندترین شکل ممکن بیان شده است. عبدی با استفاده از عبارت «عرق شرم» عملاً اعلام کرد مسئولیت نتایج احتمالی تیمش را نمی‌توان فقط بر دوش بازیکنان و کادر فنی گذاشت. اگر تیم امید در ناگویا نتیجه نگیرد، باید سهم مدیرانی نیز بررسی شود که بازیکن تحویل ندادند، اردوی مناسبی تدارک ندیدند یا نتوانستند برنامه لیگ و تیم ملی را هماهنگ کنند. البته این انتقادها نباید به پوششی برای توجیه هر نتیجه‌ای تبدیل شود. کادر فنی نیز مسئول انتخاب بازیکنان، کیفیت تمرینات و عملکرد فنی تیم است. اما برای قضاوت منصفانه باید پرسید این کادر چه مدت ترکیب کاملش را در اختیار داشته و چند مسابقه تدارکاتی متناسب با سطح حریفان برگزار کرده است؟

### لغو اردو و سفر فرسایشی

یکی دیگر از مشکلات تیم امید، لغو اردوی خارجی پیش از اعزام بود؛ اردویی که می‌توانست آخرین فرصت برای افزایش هماهنگی بازیکنان و ارزیابی ترکیب اصلی باشد. لغو این برنامه باعث شد تیم ایران بدون پشت سر گذاشتن بخشی از آماده‌سازی پیش‌بینی‌شده راهی ژاپن شود.کاروان ایران پس از سفری نزدیک به ٢٠ ساعت وارد ژاپن شد. چنین سفری، به‌ویژه برای بازیکنان جوانی که فرصت محدودی برای تطبیق با شرایط محیطی و زمانی دارند، می‌تواند خستگی جسمی و ذهنی ایجاد کند. اکنون کادر فنی باید در زمانی کوتاه، هم آثار این سفر را کاهش دهد و هم تیمی را هماهنگ کند که بازیکنانش مدت زیادی در کنار یکدیگر نبوده‌اند.

### گروهی که ساده نیست

ایران در گروه B بازی‌های آسیایی با چین، کره شمالی و امارات هم‌گروه شده است. هر سه حریف می‌توانند برای امیدهای ایران دردسرساز باشند. چین سال هاست سرمایه گذاری خود را در فوتبال پی گرفته است؛ کره شمالی همواره تیمی فیزیکی، دونده و غیرقابل پیش‌بینی بوده و امارات نیز طی سال‌های اخیر برای پرورش بازیکنان جوان و توسعه زیرساخت‌های فوتبال هزینه کرده است.
فوتبال ایران همیشه به خاطر استعداد و توانایی های فردی حرف های زیادی برای گفتن دارد اما این همه چیز نیست. تیمی که فرصت کافی برای تمرین و انجام دیدار تدارکاتی نداشته، ممکن است حتی مقابل حریفانی که روی کاغذ ضعیف‌تر به نظر می‌رسند، دچار مشکل شود.

### بازی‌های آسیایی؛ مدال یا ساختن آینده؟

نگاه به تیم امید نباید تنها به نتیجه در ناگویا محدود شود. این تیم حلقه اتصال فوتبال پایه به تیم ملی بزرگسالان است. بازیکنانی که امروز در بازی‌های آسیایی به میدان می‌روند، باید در سال‌های آینده بخشی از فرایند تغییر نسل تیم ملی باشند.
کشورهایی مانند ژاپن و کره جنوبی از رقابت‌های رده‌های پایه و بازی‌های آسیایی برای پرورش نسل بعدی استفاده می‌کنند. بازیکنان جوان آن‌ها در یک مسیر مشخص از تیم نوجوانان به جوانان، امید و سپس تیم ملیِ بزرگسالان می‌رسند. در ایران اما تیم امید معمولاً فقط در آستانه مسابقات مهم مورد توجه قرار می‌گیرد و پس از پایان رقابت‌ها، دوباره از مرکز توجه خارج می‌شود. به همین دلیل، نتیجه تیم امید در ناگویا هرچه باشد، نباید اصل مسئله فراموش شود. حتی کسب مدال نیز نمی‌تواند بی‌برنامگی پیش از اعزام را پنهان کند؛ همان‌طور که حذف احتمالی نباید تماماً به ضعف بازیکنان یا تصمیم‌های فنی سرمربی نسبت داده شود.

### نسلی که نباید قربانی اختلاف مدیران شود

بازیکنان تیم امید در شکل‌گیری بسیاری از مشکلات نقشی نداشته‌اند. تنها کاری که امروز حسین عبدی و شاگردانش می توانند انجام دهند این است که مشکلات بیرون از زمین را برای چند روز کنار بگذارند و از اعتبار فوتبال ایران دفاع کنند. اما مسئولیت مدیران پس از بازگشت تیم آغاز می‌شود؛ فارغ از اینکه نتیجه، مدال باشد یا حذف. تیم امید راهی ناگویا شده است، اما تنهایی این تیم در روزهای پیش از اعزام، زنگ خطری برای تمام فوتبال ایران محسوب می‌شود. شاید بازیکنان جوان بتوانند با انگیزه و غیرت بخشی از کمبودها را جبران کنند، اما فوتبال حرفه‌ای را نمی‌توان همیشه با امید به اتفاقات غیرمنتظره اداره کرد. ناگویا برای تیم ایران فقط میدان رقابت با چین، کره شمالی و امارات نیست؛ آزمونی برای ساختار فوتبال ایران است. اگر تیم امید موفق شود، بازیکنان و کادر فنی شایسته تقدیرند؛ و اگر ناکام بماند، پیش از سرزنش آن‌ها باید سراغ کسانی رفت که این تیم را با حداقل آمادگی راهی یکی از مهم‌ترین مسابقات قاره کردند. شاید آن زمان، جمله تند حسین عبدی درباره «عرق شرم» معنای روشن‌تری پیدا کند.

### امیر قلعه‌نویی، از کبابی تا اتاق اصناف؛

# سَری هم به ورزشگاه‌ها بزن!

با اینکه ٦ هفته از لیگ برتر فوتبال گذشته، اما امیر قلعه‌نویی و دستیاران او هنوز راهی ورزشگاه‌ها نشده‌اند تا بازیکنان را زیر نظر بگیرند!
امیر قلعه‌نویی، سرمربی تیم ملی فوتبال ایران این روزها کمتر یا بهتر بگوییم اصلاً به ورزشگاه‌ها نمی‌رود تا بازی‌های لیگ را زیر نظر بگیرد! یک سئوال از شما؛ آخرین باری که امیر قلعه‌نویی را در ورزشگاه‌های داخلی دیدید، یادتان هست؟ ما که ندیدیم و یادمان نیست، شما را نمی‌دانیم. احتمالاً با کمی تفکر، پاسخ شما هم شبیه ما است.
امیر قلعه‌نویی با خیالی آسوده از تمدید قرارداد با فدراسیون فوتبال، همه چیز را گذاشته برای شب امتحان. او با اینکه خوب می‌داند چند ماه بیشتر تا جام ملت‌های آسیا نمانده، اما هنوز فعالیت خود را آغاز نکرده
همانطور که پیش‌بینی می‌شد، جلسه‌ای فرمالیته برای ارائه برنامه‌های قلعه‌نویی در هیئت‌رئیسه فدراسیون فوتبال برگزار شد و سر آخر مشخص نشد پاسخ اعضاء به این طرح‌ها چه بود؟ هیچکس هم نپرسید خروجی جلسه به کجا رسید، چه شد که امیر قلعه‌نویی روی نیمکت تیم ملی ماند و برنامه‌های او چه بود؟
در این مدت، به جز یکی دو بار حضور در فدراسیون فوتبال و دیداری کوتاه با اعضای تیم نوجوانان ایران، امیر قلعه‌نویی را هرگز در محافل فوتبالی ندیده‌ایم. او انگار فوتبال را تحریم کرده و بیشتر به فکر مسائلی در خارج از زمین است. به عنوان نمونه، چند روز قبل، ویدئویی از سرمربی تیم ملی منتشر شد که او را در قدیمی‌ترین کبابی قم نشان می‌داد و مهمترین سئوال او هم این بود: «گوشت شما گوسفندی است؟»
همین یکی دو هفته قبل هم امیر قلعه‌نویی در مراسمی رؤیت شد که به اتاق اصناف تعلق داشت. اینکه سرمربی تیم ملی، می‌خواهد کجا برود و کجا نرود، به خودش ارتباط دارد. نقد ما، اما عدم حضور او و کادرفنی‌اش در ورزشگاه‌ها است.
از زمانی که بازی‌های تیم ملی در جام جهانی ٢٠٢٦ به پایان رسیده و بازیکنان و کادرفنی به ایران بازگشته‌اند، حدود دو ماه می‌گذرد و در این مدت، ٦ هفته از لیگ برتر هم برگزار و بخشی از نیم‌فصل اول لیگ بیست‌وششم سپری شده. در این ٦ هفته، اگر شما عضوی از کادرفنی تیم ملی را در ورزشگاهی دیده‌اید، ما هم دیده‌ایم.
امیر قلعه‌نویی با خیالی آسوده از تمدید قرارداد با فدراسیون فوتبال، همه چیز را گذاشته برای شب امتحان. او با اینکه خوب می‌داند چند ماه بیشتر تا جام ملت‌های آسیا نمانده، اما هنوز فعالیت خود را آغاز نکرده و حداقل، بازیکنان را از نزدیک زیر نظر نگرفته است.
در فوتبال، تماشا و آنالیز یک بازیکن، از تلویزیون و ورزشگاه تفاوت بسیاری با هم دارند. اگر شما حضور فیزیکی داشته باشید، بیشتر می‌توانید به توانایی‌های یک بازیکن پی ببرید، تا اینکه به رستوران بروید و مسابقات را از آنجا تماشا کنید.
این انتقاد از امیر قلعه‌نویی، آن‌هم با گذشت ٦ هفته از آغاز لیگ برتر، شاید کمی دیر باشد، اما می‌تواند تلنگری به سرمربی تیم ملی و دستیارانش بزند. همان‌هایی که انگار در خواب فرو رفته‌اند و نمی‌دانند بخش اعظمی از ترکیب تیم ملی را همین بازیکنان داخلی تشکیل می‌دهند. شاید هم بعد از بزرگنمایی از نتایج تیم ملی در جام جهانی، فکر می‌کنند که در آسیا به راحتی قهرمان می‌شوند.

نوبت دوم

شهرداری چهارباغ

(آگهی تجدید مناقصه عمومی
به شماره ٢٠٠٥٠٠٥٣١٧٠٠٠٠١٦)

شهرداری چهارباغ در نظر دارد برابر بودجه مصوب و مجوز شورای اسلامی شهر چهارباغ، پروژه مندرج در جدول ذیل را، از طریق تجدید مناقصه عمومی یا جزئیات مندرج در اسناد مناقصه با بهره گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (www.setad.iran.ir) ثبت شده در سامانه به صورت الکترونیکی به پیمانکاران واجد شرایط که دارای حداقل رتبه ۵ رده و توانایی از سازمان مدیریت و برنامه ریزی و ظرفیت کاری مجاز باشند واگذار نماید.

| ردیف | شرح پروژه | رتبه اعتباری | مبلغ برآورد (ریال) | مبلغ سپرده شرکت در مناقصه (ریال) | نحوه تضمین کیفیت | محل اجرا |
|---|---|---|---|---|---|---|
| ١ | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | فهرست بهای رشته راه آهن و بند فرودگاه و ابنیه سال ١٤٠٤ | شهرستان چهارباغ |

زمان نشر در سامانه: ١٤٠٥/٠٦/١٤ ساعت ٧:٠٠ صبح
تاریخ بازدید: از ١٤٠٥/٠٦/١٤ لغایت ١٤٠٥/٠٦/٣١
مهلت دریافت اسناد مناقصه: ١٤٠٥/٠٦/٢١ ساعت ١٢:٣٠
آخرین مهلت ارسال پیشنهاد قیمت: ١٤٠٥/٠٦/٣١ ساعت ١٢:٠٠
زمان بازگشایی مناقصه: ١٤٠٥/٠٦/٣١ ساعت ١٣:٣٠
١-سپرده شرکت در مناقصه به یکی از روشهای ذیل ارائه گردد ضمانت نامه بانکی معادل مبلغ فوق که به مدت ٩٠ روز اعتبار داشته و قابل تمدید باشد و یا واریز فیش نقدی به مبلغ فوق به حساب ٠١٠٥٥٤٣٢٨٧٠٠٣ بانک ملی شعبه چهارباغ (٢٤٠١ کد).
٢- برندگان نفر اول و دوم و سوم مناقصه هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان به ترتیب ضبط خواهد شد.
٣- شهرداری در رد یا قبول هر یک از پیشنهادها مختار است.
۴- مناقصه‌گران می‌توانند از تاریخ نشر آگهی تا ساعت ١٢:٣٠ تاریخ ١٤٠٥/٠٦/٢١ جهت خرید اسناد مناقصه به سامانه الکترونیک دولت (ستاد) مراجعه نمایند.
۵- شرکت کنندگان میبایست ضمن بارگذاری ضمانت نامه شرکت در مناقصه در سامانه ستاد نسبت به تحویل اصل ضمانت نامه تا ساعت ١٣:٠٠ تاریخ ١٤٠٥/٠٦/٣١ به آدرس چهارباغ - بلوار شهید سردار سلیمی - ساختمان شهرداری طبقه همکف دبیرخانه اقدام نمایند.
۶- در صورت بروز هرگونه تناقض در موارد مندرج در آگهی با سامانه ستاد ملاک عمل سامانه ستاد خواهد بود.
٧- پیشنهادات رسیده در مورخ ١٤٠٥/٠٦/٣١ ساعت ١٣:٣٠ در کمیسیون عالی معاملات شهرداری چهارباغ مطرح و پس از بررسی و کنترل برنده مناقصه اعلام خواهد شد.
٨- هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.
٩-کلیه اطلاعات مناقصه شامل مشخصات، شرایط و نحوه شرکت در مناقصه در پیوست اسناد بارگذاری شده در سامانه مناقصه قابل مشاهده و بررسی می باشد.
توجه: برگزاری مناقصه صرفاً از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت می باشد و کلیه مراحل فرآیند مناقصه شامل دریافت اسناد مناقصه، پرداخت تضمین شرکت در مناقصه، ارسال پیشنهاد قیمت و اطلاع از وضعیت برنده بودن مناقصه‌گران محترم از این طریق امکان پذیر می باشد.علاقه مندان به شرکت در مناقصه می بایست جهت ثبت نام و دریافت گواهی الکترونیکی (توکن) با شماره های ذیل تماس حاصل نمایند: سرکار پشتیبانی و راهبری سامانه: ٤١٥٦-١٤٥٦
اطلاعات تماس دفتر ثبت نام سامانه در سایت سامانه (www.setad.iran.ir) بخش "ثبت نام/پروفایل مناقصه گر" موجود است.
* جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ٠٢٦-٤٤٥٦٢٥٠٠ داخلی ٢٥٢ تماس و یا به سایت http://www.chaghar.ir/fa مراجعه نمائید.
تاریخ انتشار نوبت اول: ١٤٠٥/٠٦/١٤
تاریخ انتشار نوبت دوم: ١٤٠٥/٠٦/٢١
سید جعفر موسوی – شهردار چهارباغ

## ذکر روز شنبه

یا رب العالمین
ای پروردگار جهانیان

**رخدادهای تاریخی امروز**

- شهادت روحانی مبارز و مجاهد مشروطه خواه "شیخ محمد خیابانی" (١٢٩٩ش)
- تشکیل سازمان کشورهای صادر کننده نفت موسوم به "اوپک" در بغداد (١٣٣٩ ش)
- اصابت اولین موشک شوروی به ماه در تاریخ تحقیقات فضایی (١٩٥٥م)
- امضای قرارداد اشغال آلمان توسط متفقین درلندن در جریان جنگ جهانی دوم (١٩٤٤م)
- کارخانه ماشین سازی تبریز شروع به کار کرد(١٣٥١ش)

**استفتائات رهبری**

استفاده از کِرمی (یا صابون و مانند آن) که حاوی غضروف ماهی حرام گوشت است، چه حکمی دارد؟
جواب: حیوانی که خون جهنده ندارد (هر چند حرام گوشت باشد و تذکیه شرعی نشده باشد) و نیز محصولاتی که از آن تهیه می شوند، نجس نیستند، ولی استفادهٔ از آن در حال نماز جایز نیست؛ بنابر این اگر می‌دانید که از حیوان حرام گوشت تهیه شده، برای نماز باید برطرف شود و چنانچه جذب بدن شده و چیزی از آن باقی نمانده باشد، اشکال ندارد و شستن محل آن لازم نیست.

**حدیث روز**

امام علی علیه السلام
إذا کانَ لَکَ صَدیقٌ وَلَم تَحمَد إخاءَهُ وَمَوَدَّتَه فَلا تُظهِر ذلکَ للناسِ ؛ فَإنَّما هُوَ بِمَنزِلَةِ السَّیفِ الکَلیلِ فی مَنزِلِ الرَّجُلِ، یُرهِبُ بِهِ عَدُوَّه وَلایَعلَمُ العَدُوُّ أصارِمٌ هُوَ أم کَلیلٌ .
چون دوستی داری که برادری و محبّتش را نمی‌پسندی، آن را برای مردم، آشکار مساز که مانند شمشیرِ کند در خانه انسان است، که دشمن را می‌ترساند و نمی داند که کُند است یا تیز.

## داستان دنباله دار

### ساغر  قسمت شانزدهم  سعیده پیرایش

... کمال نگاهی به او انداخت و با کنجکاوی پرسید:
ـ «دنبال چی می‌گردی؟»
ساغر در حالی که هنوز چشمش پیِ یک تکه پارچه بود، گفت: ـ «هیچی... می‌خواستَم ببینم چیزی توی ماشین هست بکشم روی محمد؟ ولی هیچی نیست...»
کمال نگاهش را به آینه‌ی جلو دوخت، اما محمد در نقطه‌ی کور بود و دیده نمی‌شد. با تعجب سرش را سریع به عقب چرخاند و همان‌طور که چشم‌هایش از حیرت گرد شده بود، پرسید:
ـ «خوابیده؟!»
و در حالی که کم مانده بود از شگفتی شاخ درآورد، با خنده ادامه داد: ـ «تو این سر و صدا و بوق و کرنا چطور می‌تونه بخوابه؟!»
ساغر خندید و به نشانه‌ی بی‌اطلاعی شانه‌هایش را بالا انداخت.
کمال دوباره با گوشه‌ی چشم عقب را پایید و در همان حال که یک دستش روی فرمان بود و تلاش می‌کرد در میان کاروان ماشین‌ها کنترل رانندگی را از دست ندهد، با دست دیگر دست‌به‌کار شد. تنه‌ی کتش را از شانه تکاند و بعد از کمی کش‌وقوس و تقلا در فضای تنگ پشت فرمان، بالاخره موفق شد کتش را از تن درآورد. آن را با محبت به سمت ساغر گرفت تا روی محمد بیندازد.
ساغر کت گرم کمال را با ظرافت روی تن خواب‌آلود محمد کشید، بعد با حسرتی آمیخته به شوخی و خنده رو به کمال گفت: ـ «کاش من جای اون بودم... کف پاهام داره تیر می‌کشه!»
و همان لحظه با نفس راحتی پاشنه‌های آزاردهنده‌ی کفش‌های عروسی را از پایش بیرون کشید.
چند ساعتی در خیابان‌ها چرخیدند و بالاخره در آخرین ساعات شب، مسیر را به سمت خانه‌ی تازه‌شان کج کردند.
جلوی در و داخل خانه، مهمان‌ها و همراهان یکی‌یکی آمدند، تبریک‌هایشان را گفتند و رفتند. با بسته شدنِ در و رفتنِ آخرین نفر، وقتی بالاخره هر سه نفرشان در خانه تَنها شدند، نفس راحتی از سر آسودگی کشیدند.
همان اول رسیدن، کمال با احتیاط محمد غرق در خواب را به اتاقش برده و روی تخت خوابانده بود. حالا دیگر فقط خودشان دو نفر بودند؛ در سکوتِ مطلق خانه، دوتایی تنها شده بودند.
خستَگیِ کل روزآن‌چنان روی شانه‌هایشان سنگینی می‌کرد و توانشان را گرفته بود که حتی رمقی برای عوض کردن لباس‌هایشان هم نداشتند.
اول کمال بلند شد و به سمت اتاق رفت. همان‌طور که یکی‌یکی دکمه‌های پیراهنش را باز می‌کرد، ذهنش درگیر این حقیقتِ شیرین و غریب بود که این، اولین شبی است که در خلوت و آرامش با ساغر تنها شده است.
اما ساغر در عوالم دیگری سیر می‌کرد؛ در حالی که روی مبل نشسته بود و کلافه با گیره‌ها و سنجاق‌های بی‌شمارِ لای موهای شینیون‌شده‌اش کلنجار می‌رفت، ناگهان با صدایی خسته اما مشتاق پرسید: ـ «چایی می‌خوری؟»
ابروهای کمال با شنیدن این سوال در آن موقع شب بالا پرید! با تعجب و خنده از چهارچوب اتاق پَرسید:
ـ «چایی؟! این وقتِ شب؟»
ساغر همان‌طور که سعی می‌کرد یک گیره‌ی سمج را از میان تارهای مویش بیرون بکشد، گفت: ـ «فقط یه استکان چایی می‌تونه این‌همه خستگیِ تنم رو بشوره و ببره!»
کمال لبخندی زد و گفت: ـ «باشه... الان میام!»
ساغر با تنِ خسته بلند شد، مخزن چای‌ساز را پر از آب کرد، دکمه‌اش را زد تا به جوش بیاید و دوباره همان‌جا ایستاده، دست‌هایش را بالا برد و با سنجاق‌های سرش مشغول شد.
کمال از اتاق بیرون آمد، روی مبل نشست، با دستی مهربان به کنارش اشاره کرد و گفت:
ـ «بیا اینجا بشین... بذار کمکت کنم.»
آن شب، میان سکوتِ خلوتِ خانه‌ی نو، نشستند، چای داغ نوشیدند و از هر دری با هم حرف زدند. با صبوری و خنده، دانه‌دانه سنجاق‌ها و گره‌های موی ساغر را با کمک هم باز کردند. وقتی بالاخره به تخت‌خواب رفتند، هنوز سرشان به بالش نرسیده، از شدت خستگی بیهوش شدند و به خوابی عمیق فرو رفتند و زندگی مشترکشان واقعاً از همان شب کلید خورد؛ زندگی تازه‌ای که هیچ‌کدام نمی‌دانستند روزگار چه تقدیر و بازی‌هایی برایشان تدارک دیده است، اما با تمام وجود، به فردای آن امیدوار بودند.
چند ماه اول همه چیز آرام و به ظاهر گل‌وبلبل بود؛ مثل تمام شروع‌های تازه، کمال و ساغر هم قدم‌به‌قدم در حال کشف گوشه‌کنارهای خُلق‌وخوی همدیگر بودند. اما در این میان، حال‌وهوای محمد مبهم و گنگ بود. از اینکه می‌دید چین‌های پیشانی مادرش باز شده، دیگر کمتر غصه می‌خورد و صدای خنده‌هایش بیشتر در خانه می‌پیچد، ته‌دلش ذوق می‌کرد. حس می‌کرد مادرش با خیال راحت‌تری او را در آغوش می‌کشد و نگاهش می‌کند.
ادامه دارد

اطلاعیه

به اطلاع آقای مهدی داودی نیا از پرسنل جمعیت هلال احمر استان مرکزی میرساند؛ پرونده اتهامی شما پس از سیر مراحل رسیدگی در هیات بدوی شعبه دوم رسیدگی به تخلفات اداری، منجر به صدور رای قابل پژوهش شماره ٥٦٥ مورخ ١٤٠٥/٥/٢٤ گردیده لذا مقتضی است جهت دریافت اوراق رای به اداره کل منابع انسانی و تحول اداری ساختمان صلح واقع در خیابان ولیعصر، نبش خیابان یاسمی مراجعه نمائید.
بدیهی است در صورت عدم مراجعه پس از یکماه از انتشار این آگهی اقدامات قانونی معمول خواهد شد.

هیات بدوی شعبه دوم رسیدگی به تخلفات اداری
شناسه آگهی: ٢٢٧٣١٥٥ م الف / ١٩١٣